

مرگ ۳ کارگر چاه در زرنديه

یک منبع کارگری در استان مرکزی در ارتباط با حادثه گاز گرفتگی روز ۱۶ مرداد کارخانه «دنا سلولز» که منجر به مرگ سه کارگر و مصدومیت چهارکارگر دیگر شد، توضیح بیشتری داد. یک فعال کارگری درباره جزئیات بیشتر حادثه مرگ و مصدومیت ۷ کارگر بر اثر گاز گرفتگی حین لایروبی چاه T به ایلنا گفت؛ حادثه در کارخانه دنا سلولز در شهرک صنعتی مامونیه واقع در زرنديه استان مرکزی رخ داده است. او با بیان اینکه کارگران جانباخته برای رفع گرفتگی وارد چاه کارگاه محل کار خود شده بودند، در تشریح جزئیات این خبر گفت؛ حوالی ساعت ۱۰ صبح روز ۱۶ مرداد، سه نفر از کارگران کارخانه دنا سلولز که در زمینه تولید انواع کاغذ فعالیت داد، حین لایروبی چاه فاضلاب، به دلیل استنشاق گازهای سمی دچار حادثه شده و جان خود را از دست دادند. این فعال کارگری با بیان اینکه چهار کارگر دیگر برای نجات جان همکاران خود اقدام کرده بودند و همگی مصدوم شده‌اند که یک نفر توسط نیروهای هلال احمر و دونفر دیگر توسط اورژانس به مراکز درمانی انتقاد داده شدند، گفت؛ از قرار معلوم یکی از مصدومان در وضعیت وخیم و اورژانسی قرار دارد و هم اکنون تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی است. براساس اعلام منابع کارگری، هنوز جزئیات دقیق این حادثه مشخص نشده و علت آن در دست بررسی است.

حقوق یک پرستار کمتر از ترمیم دودندان

یک پرستار به ایلنا گفت؛ ماهی ۱۶ میلیون تومان حقوق می‌گیرم که این مبلغ حتی بخش ناچیزی از نیازهای اساسی ام را هم تأمین نمی‌کند. ماه گذشته برای ترمیم دو دندان ۱۸ میلیون تومان هزینه کردم. یعنی حتی حقوق ماهانه من پرستار با این کار سخت، کفایت درمان دودندانم را هم نمی‌دهد در حال حاضر حقوق پرستاران بسیار ناچیز است. یکی از پرستاران در تماس با «ایلنا» در رابطه با این وضعیت سخت معیشتی گفت؛ ماهی ۱۶ میلیون تومان حقوق می‌گیرم که این مبلغ حتی بخش ناچیزی از نیازهای اساسی ام را هم تأمین نمی‌کند. ماه گذشته برای ترمیم دو دندان (پر کردن، عصب کشی و قلاب) ۱۸ میلیون تومان هزینه کردم. یعنی حتی حقوق ماهانه من پرستار با این کار سخت، کفایت درمان دودندانم را هم نمی‌دهد! این پرستار به ناعدالته بودن دستمزد اشاره کرد و گفت؛ یک پرستار باید با شب‌کاری، کشیک، فشار کاری و استرس مداوم زندگی کند و در نهایت هم حقوق ناچیزی دریافت کند و با همان حقوق نتواند هزینه درمان خود را پرداخت نماید. این وضعیت ناعدالته است. ما هم بخشی از سیستم درمان هستیم و نقش پرستار در مراقبت، کنترل بیماری، ارتباط با بیمار و حتی حفظ جان بیمار، مستقیم و حیاتی است اما پرستاران همیشه نادیده گرفته می‌شوند. فعالان این حوزه می‌گویند؛ عدالت در پرداخت، امنیت شغلی، احترام به شأن پرستار و جبران واقعی زحمات پرستاران، خواسته پرستاران است که بی‌توجهی به این مطالبات، باعث شده تمایل به کار پرستاری بسیار کم شود، تا جایی که بسیاری از پرستاران حتی به آزمون استخدامی وزارت بهداشت روی خوش نشان ندادند و براساس آمارهای منتشره، ظرفیت‌های این آزمون هنوز به طور کامل پر نشده است.

اختصاص ۶ هزار کلاس درس به اتباع

استاندار تهران گفت؛ سال گذشته در مدارس استان تهران ۲۴ هزار دانش آموز تبعه حضور داشتند. در واقع ۶ هزار کلاس درس ما به اتباع اختصاص پیدا کرده بود. محمد صادق پورممدیان، استاندار تهران، به ایلنا گفت؛ یکی از اولویت‌های دولت چهاردهم، ساماندی اتباع بود و این روندی است که از ابتدای دولت محترمانه و با رعایت شئونات در حال انجام است و تاکنون بیش از یک میلیون نفر از کشور و ۴۵ هزار نفر از تهران به کشورشان بازگردانده شده‌اند. وی تصریح کرد؛ این آمار هم مربوط به اتباعی است که داوطلبانه مراجعه کرده‌اند و هم اتباعی که شناسایی و دستگیر شده‌اند. وی با اشاره به آماری از حضور دانش آموزان اتباع در کشور اظهار کرد؛ سال گذشته در مدارس استان تهران ۲۴ هزار دانش آموز تبعه حضور داشتند که در واقع ۶ هزار کلاس درس ما به اتباع اختصاص پیدا کرده بود.استاندار تهران افزود؛ اکنون صرفا اتباع مجاز می‌توانند در مدارس حضور داشته باشند که تعداد آنها حدود ۸۰۰,۷ هزار دانش آموز است.

مرگ کارگر ساه‌های بر اثر سقوط جسم سنگین

کارگری یکی از کارخانه‌های مستقر در شهرک صنعتی ساهه استان مرکزی بر اثر حادثه کار جان باخت. به گزارش ایلنا، کارگری حدود ۴۰ ساله حین کار در یک کارخانه صنعتی بر اثر سقوط جسم سنگین جان خود را از دست داد. دلیل و جزئیات حادثه هنوز مشخص نیست و مسئولان قضایی و بازرسی اداره کار پیگیری جزئیات این حادثه و مقصر احتمالی مرگ این کارگر هستند.

یکشنبه

۱۹ • ۰۵ • ۱۴۰۴

۱۶ مهر ۱۴۰۴ / ۱۰ آگوست ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۱۷۵

گزارش «آرمان ملی» از دومین شهید محیط بان گلستانی در سال جاری

پارک گلستان، شکارگاه دومین محیط بان شد



«محمود شهمرادی» دومین شهید پارک ملی گلستان پس از شهید «کاظم (یاسر) مصدق» در سال جاری است که به دست شکارچیان غیرمجاز و با شلیک مستقیم گلوله جانباخته است.

رأس ساعت پنج عصر

فیلمی در فضای مجازی پخش شده است. که محیط بانان دیگر را در کنار پیکر بی جان محمود شهمرادی که صورتش را به دستمالی فروپوشیده‌اند، نشانسته‌اند و درخواست حمایت دارند. اماکسی صدایشان را نمی‌شنود و تنها پیام تسلیتی بعد از مرگشان از کاظم مصدق که در اردیبهشت ماه، بر اثر شلیک مستقیم شکارچی متخلف جان باخت، روز جمعه (۱۷ مرداد ماه) در شهرستان مینو دشت استان گلستان شتیب و به خاک سپرده شد. این مراسم روز جمعه (۱۷ مرداد ماه) در روستای «الفجر» از توابع بخش مرکزی شهرستان مینودشت برگزار شده است. مرحوم شهمرادی بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ماه در درگیری با شکارچیان غیرمجاز در منطقه حفاظت شده پارک ملی گلستان مورد اصابت گلوله مستقیم یکی از شکارچیان متخلف قرار گرفت و در همان لحظه به شهادت رسید. این درحالی است که هیچ کدام از مسئولان پارک ملی گلستان، حاضر به گفت‌وگو در این باره نشدن و اطلاعات بیشتری را در اختیار مانگذاشتند. به محیط بانان هم گفته شده بود که صحتی نکنند. هرچند حالشان بدتر از آن بود که بخواهند کلمه‌ای بر زبان بیاورند.

مدام این حرف‌ها را تکرار نمی‌کنیم دردی را دوانمی‌کند. نه همکاران شهیدمان را زنده می‌کند و نه از شهادت محیط بان بعدی در مواجهه با شکارچی بعدی، که اسلحه به دست، در چشمان محیط بان زل زده و ماشه را می‌چکاند دارد.

نه او کوچک‌ترین تردیدی به دلش راه می‌دهد و نه تضمینی برای اینکه نفر بعدی هرکدام از ما باشیم هست.

کمبود نیرو

پارک ملی گلستان با وسعت ۹۲ هزار هکتار به گفته مسئولانش تنها با ۳۱ محیط بان می‌گردد. این ۳۱ محیط بان هم ۱۵ روز هستند و ۱۵ روز نیستند. از این تعداد هم ممکن است که یکی گرفتار یا بیمار شود و نتواند همان ۱۵ روز را هم در منطقه باشد.

حالا این ۱۵ نفر چگونه می‌خواهند در ۹۲ هزار هکتار پایش منطقه را انجام دهند؟ این سوالی است که سال هاست از دست اندرکاران محیط زیست ایران و نهادهای مرتبط با آن پرسیده می‌شود، اما همچنان کسی پاسخی برایش ندارد. باین تعداد شهادت نیروهای که هرکدام خانه و خانواده‌ای داشتند که حالا شب و روز، نگران جان عزیزان خود هستند، که به سلاط به خانه بازمی‌گردند بانه. همه این مسائل در کنار تجهیزاتی که اصلا وجود ندارد! محیط بانان با دست خالی از طبیعتی دفاع می‌کنند، که حتی برای ورود به آن به ساده‌ترین ابزار هم تجهیز نیستند.

حالا مسئولان به پیام تسلیت فرستادن و بازدید از خانواده‌هایی که هنوز داغدار

عزیزشان هستند هم عادت کرده‌اند. انگار از دست هیچکسی کاری بر نمی‌آید، برای فرمان ایست دادن به شکارچسانی که بی ترس از عقوبت شلیکی که گریبانشان را خواهد گرفت، ماشه را می‌چکانند. شکارچسانی که شاید آنقدر در چشمان شکار خود زل زده‌اند و بوی خون سرخ شکار در مشامشان مانده است، که دیگر برایشان تفاوتی ندارد. قربانی یک آهوی بی قرار باشد، تا انسانی که خانواده‌اش چشمشان به در است، تا از راه برسند. با شهادت دومین محیط بان پارک ملی گلستان در ماه‌های اخیر، حالا طبیعت هم به سوگ قهرمانانش نشسته است.

قهرمانانی که نامشان در هیچ کتاب درسی نیست و در خاموشی شب‌ها و تاریکی که از آن ترسی نداشتند، زل زدند در چشمان مرگ و جانشان را در حالی از دست دادند، که به گفته محیط بانان می‌شود با الزام به قوانین سفت و سخت‌تر، کاری کرد تا دیگر باوایی سر جنازه‌های همشهریان و همکارانمان زار نزنیم. کاری که می‌شد انجام شود اما نشد.

و باز پیکری دیگر، در میان شلوغی جمعیتی تشییع شد. کاش باید مان تراود چشمان نگران محیط بانانی را که حالا در شیف‌ت کاری خود، انگار از مرگ می‌گریزند و خانواده‌های آنها، چشم‌هایشان هر شب به دروخ‌ت می‌شود، تا خانواده‌ای دیگر، عزادار مردش نشود.

کاش حواسمان به کودکانی باشد که این چندماه، پدرانشان را از دست دادند و تسلیت گفتن و تسلی دادن، جای پدر از دست رفته برای همیشه آنها را نمی‌گیرد.

عضو شورای عالی حفاظت فنی مطرح کرد

نگاه جزیره‌ای به ایمنی

آن هم حذف شده است. درگاه‌های بررسی صلاحیت ایمنی پیمانکاری، طبق استنباط ما حذف شده است. مستقیما فردی پیدا می‌شود و درخواستی ارائه می‌کند که این به بازرس کار حاضر در اداره کار داده می‌شود و بنابر تصمیم یک شخص در لحظه (بدون بررسی اضافه) فرد تایید یا رد می‌شود.

کمیته نظارتی برای بررسی وجود ندارد

این کارشناس حوزه ایمنی فنی اضافه کرد؛ هیچ کمیته نظارتی برای بررسی وجود نخواهد داشت و کار عملاً به تصمیم اداره کل کار منطقه سپرده شده است. وقتی کاری به این مهمی که سابقاً توسط یک کمیته تشخیص انجام می‌شد، به یک شخص سپرده می‌شود، کار فوراً در مرحله تشکیل پرونده فرارفته و کنترل‌ها را روی آن برداشته می‌شود. هیچ نظارت شکلی از نیز پس از صدور مجوز وجود نخواهد داشت و معمولاً باوقوع حادثه بایک اتفاق، بازرسی بعدی انجام می‌شود. رئیس انجمن صنفی مسئولان حفاظت فنی ادامه داد: بحث ما این است که بررسی‌ها و نظارت‌ها سر جای خود بماند. در بحث اجرایی، باتوجه به تخصصی بودن کار مسئولان حفاظت ایمنی، امکان نظارت داده شده، اما در کنار آن کانون‌های کارگری ورود کرده‌اند. این درحالی است که در شرایط فعلی کانون‌های کارگری بیشتر مسائل صنفی خود را می‌توانند پیگیری کنند و بحث ایمنی می‌مقوله تخصصی است. شرکت‌های پیمانکاری کارفرمایی هستند و اصناف پیمانکاران که تشکیل کارفرمایی هستند، ممکن است اعلام حضور کنند. در اینجا ما روی تخصص‌گرایی در حوزه ایمنی پافشاری می‌کنیم. این نه فقط حمایت از تشکل خودمان که دفاع از خود مقوله ایمنی فنی است زیرا مستقیما به حفظ سلامت نیروی کار ربط دارد و سهم خواهی در آن معنا ندارد. وی تصریح کرد؛ ما به واسطه ماده ۹۳ قانون کار، به کارگیری مسئولان حفاظت فنی را اجبار کردیم که البته به خاطر آیین‌نامه ضعیف آن، تقریباً قابل نقض است. حالا ما می‌بینیم که بالاخره با این نظرخواهی از سوی اداره کل بازرسی کار و وزارت تعاون، روال گذشته مورد تجدیدنظر قرار گرفته و در این شرایط ما حضور قطعی مسئولان ایمنی در کارگاه‌ها را خواستار هستیم. ما فراتر از این، فکر می‌کنیم این آیین‌نامه نباید به آیین‌نامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران محدود باشد، بلکه آیین‌نامه صلاحیت ایمنی کلیه کسب و کارهای کشور و کارآفرینان را نیز باید در برگیرد. این فعال حوزه ایمنی فنی توضیح داد؛ فلسفه اینکه برای پیمانکاران آیین‌نامه جدایی طرح شده، این بود که طبق آمارها در دهه گذشته که در جلسات شورای عالی حفاظت فنی مطرح می‌شد، بیش از ۷۰ درصد حوادث کار منجر به فوت یا آسیب جدی مثل نقص

اجتماعی

۹

گزارش

تبدیل تنبلی در سیستم اداری به هنجار

استاد دانشگاه گفت؛ اگر ما شاهد بی تفاوتی عمده در سازمان‌ها هستیم، اولین و مهم‌ترین دلیلش را باید در رفتار مدیران دید. «علیرضا کوشکی» عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد گروه مدیریت دولتی، تنبلی سازمانی را این‌گونه تعریف کرد؛ هر جا که قصه «به من چه» به عنوان یک مفهوم کلی و نه لفظ مطرح شود، به احتمال بسیار زیاد با پدیده‌ای به نام تنبلی سازمانی مواجه هستیم. وی با بیان اینکه «به من چه» زمانی در حرف و زمانی دیگر در رفتار است، گفت؛ مثلاً مدیری به کارمندش می‌گوید که پروژه‌ای را در ساعت دوازده بعد از ظهر روز دوشنبه آماده کند؛ وقتی کارمند امکان تحویل پروژه را داشته باشد و آن را انجام ندهد، در واقع می‌گوید «به من چه». «کوشکی افزود؛ در خیلی از مواقع بسیاری از کسانی که در این حوزه کار می‌کنند، معتقدند که مسئله تنبلی، موضوعی شخصی است، ولی وقتی که تبدیل به هنجاری می‌شود که در سازمان‌ها و شرکت‌ها و سیستم اداری خیلی زیاد آن را می‌بینیم؛ یعنی ما در حال صحبت راجع به پدیده‌ای سازمانی و گاهی پدیده‌ای فرهنگی هستیم. او ادامه داد؛ مثلاً وقتی که تنبلی به عنوان قسمتی از تاریخ قوم خاصی مطرح شود یعنی تنبلی تبدیل به پدیده‌ای فرهنگی شده و در رفتار غالب و قاطع مردم، آن سازمان و کشور نهاده‌ینه شده است. در تعریف تنبلی می‌گویم که وقتی بی تفاوتی تبدیل به فرهنگ شود و آدم‌ها نسبت به پدیده‌هایی تفاوت شوند، کاری را بتوانند انجام دهند ولی انجام ندهند، آسمنش تنبلی است. کوشکی به بررسی تنبلی سازمانی پرداخت و افزود؛ در سطح تحلیل سازمان، سازمان‌ها با زتاب نور در آیین‌ه رفتار مدیران هستند یعنی هر کاری که مدیرانجام دهد، می‌توانیم این رفتار را به احتمال بسیار زیاد با بازتابی شدیدتر در کارمندان ببینیم. اگر ما شاهد بی تفاوتی عمده در سازمان هستیم، اولین و مهم‌ترین دلیلش را باید در رفتار مدیران دید. وی در ادامه گفت؛ زمانی که شرکت‌ها و سازمان‌ها، آدم‌ها را برای حقوق، زیاد کار می‌کردند، حقوق رکن بسیار مهمی بود. ولی وقتی که بعد حقوق جذابیتش را از دست می‌دهد، آدم‌ها برای حقوقی که برایشان جذاب نیست، حاضر به انجام یک سری کارها نیستند، یعنی حقوق عملاً کفایت زندگی‌شان را نمی‌دهد و نمی‌توانند حداقل‌ها را برآورد کنند. کوشکی افزود؛ زمانی حقوق می‌توانست به انگیزه تبدیل شود اما دیگر آن قدرت را ندارد در نتیجه به بی تفاوتی منجر شده است. استاد گروه مدیریت دولتی در پاسخ به این سوال که چرا مدیران در میدان بازل چند نکته و معمای چند مجهولی است. برای مثال مدیری با سعی و تلاش و کوشش و پشتکار خودش به جایگاه مدیریتی که یکی از اهدافش بوده است، می‌رسد. در حالت دوم راه‌ت‌ها می‌روند که می‌شوند فردی که ناتوان است رابه مدیر تبدیل می‌شود که می‌شود مدیر رانتی نه مدیر شایسته‌محر. وی در ادامه افزود؛ همین مدیر رانتی به احتمال بسیار زیاد به خیلی از موضوعات بی تفاوت است، چرا که عملکردش ملاک نیست بلکه پاسخگویی به خواسته‌های کسی که او را منتصب کرده است، نسبت به عملکردش، اولویت پیدا می‌کند که این‌ها‌های پابین تر نیز شاهد همین ماجرا هستیم. اگر شایسته‌سازی نداشته باشیم در را برای بی تفاوتی باز می‌کنیم. او اضافه کرد؛ بحث جایگاه نیز مطرح است. مثلاً در گذشته معلم‌ها و پزشکان جایگاه بسیار بالایی داشتند و حرف‌شان فصل الخطاب بود، ولی هر چه قدر که جلوی می‌رویم، نسبت به تقریباً همه اقشار، د چارافت جایگاه هستیم که قسمتی از آن خاصیت زمانه است. وی در ادامه توضیح کرد؛ معلم و پزشکی که جایگاه اجتماعی ندارد، اگر حرفی بزنند، آیا کسی برای موضوعات و دغدغه‌هایی که مطرح کرده است، تره خرد می‌کند؟ یا به نظرم به سمت «به من چه» می‌رود و جزو قسمت بی تفاوت جامعه قرار می‌گیرد. یعنی وارد سیکلی شدیم که می‌تواند این داستان را مانند گلوله برفی که به سمت دره می‌رود، با تشدید یکدیگر، به سمت فضایی منفی‌تر ببرند. او در خصوص چرایی عدم توییح و اخراج کارکنان را مرنی در سازمان با وجود انجام ندادن وظایف‌شان گفت؛ دانشگاه نمونه‌ای برای این ماجرا است. در دانشگاه، مدیران و عضو هیات‌مدیره، عضو هیات علمی هستند، یعنی عضو هیات‌مدیره در مقطعی مدیر می‌شود و پس از اتمام‌ان، دوباره به اتاق هیات علمی‌اش باز می‌گردد. به خاطر همین کم‌ترین تحولات را در سیستم‌های دانشگاهی می‌بینیم. او با اشاره به آمارها در این زمینه بیان کرد؛ مثلاً آمارهای موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که تنها حدود ۲۳ درصد کارکنان انگیزه بالایی دارند، یعنی کاملاً درگیر می‌شوند، تلاش می‌کنند و جنگنده هستند.

روی خط آرمان ملی

۸۸۱۰۵۰۰۷

ناباروری

هزینه‌های مربوط به نازایی بسیار بالا است مسئولان اعلام کرده بودند که هزینه‌های درمان به صورت رایگان است ولی به هر بیمارستانی که برای درمان می‌رویم خبری از رایگان بودن نیست و با هزینه‌های بالا باید درمان شویم. لطفاً مسئولان وزارت بهداشت کمی هم به فکر این افراد باشند.

احدی از تهران

افزایش نرخ دلار

با افزایش نرخ دلار در چند روز اخیر قیمت سایر کالاها از جمله کالاهای اساسی به سرعت افزایش پیدا کرده است از طرف دیگر پاسخ مسئولان و مدیران بانک مرکزی درباره علل افزایش نرخ ارز برای مردم قانع کننده نیست. استدع داریم که مسئولان محترم اقتصادای و بانک مرکزی فکری به حال این افزایش بنمایند تا قیمت سایر کالاها افزایش پیدا کنند.

سعیدی از تهران

فضای سبز

قطعه‌های جدید بهشت زهرا فضای سبز مناسبی ندارد مانند ییابان است از مسئولان تقاضا داریم که برای این قطعه‌ها فضای سبز مناسب ایجاد کنند.

یک شهروند از تهران